

گلن جانسون

اعلامیہ کی جہانی حقوق بشر و تاریخچه آن



پیش گفتار از

فدریکو مایور، مدیر کل یونسکو

ترجمہ محمد جعفر پویندہ



نشرنی

www.KetabFarsi.com

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

اعلامیہ ی جهانی حقوق بشر

و

تاریخچہ ی آن

نوشتہ ی گلن جانسون

پیش گفتار از فدریکو مایور، مدیرکل یونسکو

ترجمہ ی محمد جعفر پویندہ



نشرنی

Johnson, Glen

جانسون، گلن

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و تاریخچه‌ی آن / نوشته‌ی گلن جانسون؛ پیش‌گفتار از فدریکو مایورا، مدیرکل یونسکو؛ ترجمه‌ی محمدجعفر پوینده. - تهران: نشر نی، ۱۳۷۷.
۱۸۴ ص.؛ مصور، نمونه.

ISBN 964-312-400-2

عنوان اصلی: **La déclaration universelle des droits de l'homme**

کتابنامه: ص. ۱۷۰-۱۸۰.
چاپ دوم: ۱۳۷۷

۱. حقوق بشر - تاریخ ۲. سازمان ملل متحد.
۳. اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر. الف. پوینده، محمدجعفر؛
۱۳۳۳-۱۳۷۷ مترجم. ب. عنوان.
۶ الف ۲ ج / ۴ / K ۳۲۲۰ / ۱۳۷۷

نقاشی روی جلد کتاب را نقاش نام‌دار اسپانیایی-فرانسوی خوان میرو در سال ۱۹۷۶ به مناسبت پشتیبانی از پیکار یونسکو در راه دفاع از حقوق بشر ترسیم کرده است.



نشر نی

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، کوی آشتیانی، شماره ۲۴
صندوق پستی ۵۵۶ - ۱۳۱۴۵، نشر نی تلفن ۵ و ۶۶۱۳۴۴۳

Glen Johnson

گلن جانسون

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و تاریخچه‌ی آن

La déclaration universelle des droits de l'homme

ترجمه‌ی محمدجعفر پوینده

• چاپ دوم ۱۳۷۷ تهران • تعداد ۳۳۰۰ نسخه • لیتوگرافی غزال • چاپ غزال

ISBN 964-312-400-2

شابک ۹۶۴-۳۱۲-۴۰۰-۲

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است



کتابفروشی دانش
شیراز خیابان صریح
تلفن ۳۰۹۲۶۱

فهرست

پیش‌گفتار ۹

بخش اول

دوران پس از جنگ جهانی

- و تدوین بیانیه‌ی اخلاقی انسان سازمان یافته (۱۹۴۵-۱۹۴۸) ۱۱
- ۱- مأموریت سازمان ملل برای حقوق بشر ۱۵
- ۲- نگارش اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (۱۹۴۶-۱۹۴۸) ۲۴
- ۳- اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر ۸۸
- ۴- وضعیت حقوقی و اخلاقی «اعلامیه‌ی جهانی» ۱۲۷

بخش دوم

کتاب‌شناسی برگزیده ۱۵۹

www.KetabFarsi.com

عقاید و اندیشه‌های بیان‌شده در این اثر متعلق به نویسندگان‌شان هستند و الزاماً نظریات یونسکو را منعکس نمی‌سازند.

نویسنده‌ی تاریخچه‌ی نگارش «اعلامیه‌ی جهانی»، آقای گلن جانسون، استاد علوم سیاسی در ایالات متحده آمریکا است.

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

«اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر» از متن‌های راهنما و روشن‌گر در تاریخ بشر است. پیکار خستگی‌ناپذیر برای دفاع از حیثیت و کرامت انسان و برضد تمام بیدادگری‌ها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف با حد و مرزهایی مانند قراردادهای مجموعه‌های قوانین، بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها مشخص شده که نشانه‌ی پیروزی‌های اذهان هستند و در وجدان بشر و قوانین مکتوب یا مرسوم نقش بسته‌اند. هدف کتاب حاضر آن است که به مناسبت چهل‌مین سال‌گرد اعلامیه‌ی ۱۹۴۸، پیشرفت‌ها و کج‌روی‌های مختلف در تاریخچه‌ی زنده‌ی پیکار برای حقوق بشر را عرضه کند.

این کتاب از یادآوری گذرا و همراه با چند استناد تاریخی تا تشریح سیر تدوین متنی با گستره‌ی جهانی، از پیامدها و بازتاب‌های حقوقی، اجتماعی، سیاسی و فلسفی این متن تا فعالیت مشخص یونسکو برای ترویج جهانی آن، از تصویرها تا متن‌ها، از برخورد دیدگاه‌های متفاوت تا امید هم‌سوی‌ی جوانان و بزرگسالان را دربرمی‌گیرد و امید می‌رود که از این رهگذر اطلاعات دقیقی عرضه و ژرف‌اندیشی را تشویق کند و خوانندگان را برانگیزاند که با تمام توان کوشش‌های گذشته را همواره تداوم و ارتقا بخشند.

تأکید مداوم بر حیثیت و کرامت انسان باید همواره حاضر و زنده باشد؛ الزامات اخلاقی و سیاسی به تناسب دگرگونی‌های دنیا تحول می‌یابند؛ به همین سبب امر حقوق بشر در عین حال نوعی آرمان و راهبرد است.

نه فقط همواره باید از این حقوق در برابر انواع تجاوزات دفاع کرد و رویاروی خطرهایی که در کمین آن‌ها است به تحکیم‌شان پرداخت، بلکه همیشه باید به این حقوق عمق و گسترش بخشید تا چشم‌اندازهای پیوسته گسترده‌تری به روی آزادی و

خلاقیت فردی گشوده شود و پایه‌های همواره استوارتری برای عدالت، تفاهم و همبستگی بین‌المللی ایجاد گردد.

آموزش حقوق بشر در گرو کوششی بی‌وقفه است که از نسلی به نسل دیگر همواره از نو آغاز می‌گردد. این گفته بدان معنا نیست که چنین آموزشی کاری سبزیفوار است. درست برعکس، تاریخ دهه‌های اخیر به روشنی نشان می‌دهد که بذر حقوق بشر در هر خاکی که کاشته شود، اگر از محافظت و تغذیه‌ی مناسب بهره‌مند گردد، سرانجام با غلبه بر بادهای مخالف جوانه می‌زند.

اندیشه‌های آزادی‌بخش، راه خویش را در ذهن آدمیان - با پشت سرگذاردن هر مانعی که با آن روبه‌رو شوند - به آهستگی اما به استواری می‌گشایند.

فدریکو مایور

مدیرکل یونسکو

بخش اول

دوران پس از جنگ جهانی
و تدوین بیانیه‌ی اخلاقی انسان سازمان یافته
(۱۹۴۵-۱۹۴۸)

www.KetabSina.com

www.KetabFarsi.com

جنگ جهانی اخیر در اساس جنگ حقوق
بشر بوده که طرفداران یک آموزه‌ی
نژادپرستانه‌ی هولناک آن را به خلق‌ها
تحمیل کرده‌اند، جنگی که با توحش
روش‌مند بی‌همتایی همزمان بر ضد بشر و
جامعه‌ی انسانی صورت گرفته است.

رنه کاسن

www.KetabFarsi.com

مأموریت سازمان ملل برای حقوق بشر

پس از جنگ جهانی دوم، قدرت‌های متفق اصلی دست به کار فراهم آوردن میانی یک سازمان بزرگ بین‌المللی شدند که وظیفه‌اش حفظ صلح و کمک به حمایت از حقوق اساسی بشر باشد. آن‌ها در درجه‌ی اول بایست حفظ صلح و امنیت را محور تلاش‌های‌شان قرار دهند تا ... بنا به عبارات خود منشور ملل متحد - «نسل‌های آینده را از آفت جنگ در امان بدارند».

دل‌مشغولی «متفقین» در مورد حقوق بشر، «فرعی» و حتی «حاشیه‌ای»، اما در هر حال «واقعی» بود؛ هدف‌های اعلام‌شده‌ی متفقین در طول جنگ، در بیشتر موارد با استناد به حقوق بشر بیان شده بودند. به‌ویژه ایالات متحد آمریکا به رهبری رئیس‌جمهور روزولت مصمم بود که حقوق اساسی بشر در منشور ملل متحد گنجانده شود. پیش از آن که این فرایند به نتیجه برسد، ایالات متحد در میانه‌ی دو نیرو گرفتار آمده بود: از یک سو دو متحد این کشور یعنی انگلیس و شوروی که در مورد مسأله‌ی حمایت بین‌المللی از حقوق بشر شتاب کم‌تری داشتند، و از سوی دیگر، نمایندگان دولت‌های کوچک و مشاوران آن‌ها از سازمان‌های غیرحکومتی (ONG)* که برعکس به آمریکا فشار می‌آوردند که در این مورد، مسئولیتی

* از آن‌جا که بسیاری از سازمان‌های غیرحکومتی به ویژه در کشورهای جنوب، وابستگی کمابیش زیادی به دولت‌های‌شان دارند، به‌جای عبارت رایج «سازمان‌های غیردولتی»، برگردان

مشخص تر، روشن تر و دقیق تر را عهده دار شود.

از همان آغاز کار برای تدوین منشور یک سازمان جدید بین المللی، سازمان های غیرحکومتی آمریکایی وزارت امور خارجه را تشویق می کردند که به مسأله ی حقوق بشر توجه جدی داشته باشد. اعضای «گروه برنامه ریزی» این وزارت خانه غالباً در جلسات مشورتی گروه هایی مانند «انجمن حقوق آمریکایی» (American Law Institute) و کمیسیون مشورل بررسی سازمان صلح شرکت می کردند.^۱

از سوی دیگر شخصیت های مهمی - مانند سناتور آرتور. ه. واندنبرگ (ر. میچ) رئیس جناح جمهوری خواهان در کمیته ی روابط خارجی - همواره به حکومت ایالات متحد هشدار می دادند که در سیاست های اجرایی از وسوسه ی زیاده روی در زمینه ی حقوق بشر در امان بماند، زیرا تفاوت های فرهنگی ممکن بود با گذشت زمان اهمیتی فزاینده بیابند.^۲ برای حکومتی که به شکست رئیس جمهور ویلسون در جلب نظر موافق مجلس سنای آمریکا برای تصویب پیمان جامعه ی ملل آگاهی روشن داشت، دیدگاه واندنبرگ درخور توجه جدی بود.

در آغاز «گروه آمریکایی برنامه ریزی» در نظر داشت که یک اعلامیه ی بین المللی حقوق را در متن منشور یک سازمان جدید بین المللی بگنجانند یا این اعلامیه را به صورت «پیوست» به منشور بیفزایند.

نخستین گروه های برنامه ریزی نسخه ای از اعلامیه ی حقوق را نوشتند که بنا به سنت رایج در ایالات متحد، بر حقوق مدنی و سیاسی تأکید می ورزید، اما به

←

«سازمان های غیرحکومتی» انتخاب شده تا خلط مبحث پیش نیاید. البته مترجم دولت را به معنای مجموعه ی نظام حاکم در نظر می گیرد که حکومت بخشی از آن است و بسیاری از نهادهای غیرحکومتی را نیز شامل می شود - م.

۱. گزارش مختصر و مفید این فعالیت در منبع زیر آمده است:

Alice McDiarmid, «The Charter and the Promotion of Human Rights», *US Department of State Bulletin*, February 10, 1946, pp. 210-212.

2. L.K. Hyde Jr, *The United States and the United Nations: Promoting the Public Welfare - Examples of American Cooperation, 1945-1955*, New York: Manhattan Publishing Co. for the Carnegie Endowment for International Peace, 1960, pp. 38, 159.

مسأله‌ی حقوق اقتصادی و تدابیر اجرایی چندان توجهی نشده بود. در پی مباحثات، دشواری‌هایی که در مورد مسائل مربوط به ماهیت یا زبان اعلامیه بروز کردند، در کنار ضرورت عاجلی که بر تمام کار نگارش منشور سایه انداخته بود، سرانجام مسئولان آمریکایی را به پذیرش این اندیشه واداشتند که اعلامیه‌ی صوری حقوق، به‌جای همراهی با منشور، باید در پی تصویب آن صادر شود، تا حدی به همان ترتیب که «منشور حقوق شهروندان آمریکایی» در پی تصویب قانون اساسی آمریکا صادر شده بود (این نکته را خود وزیر امور خارجه‌ی آمریکا گوش‌زد کرده بود).^۳ آنان نتیجه گرفتند که فقط باید اشاره‌ای مختصر به حقوق بشر در منشور گنجانده شود.

این دیدگاه ملاحظه‌کارانه و محتاطانه مخالفت‌هایی را نیز در میان نمایندگان اتحاد شوروی و انگلستان برانگیخت. در حالی که این دو کشور پیشنهاد‌های مشترک‌شان را در دامبارتون اوکس تنظیم می‌کردند، هیأت نمایندگی ایالات متحد این پیشنهاد را به تصویب رساند که در منشور اشاره‌ای به پیشبرد و تشویق حقوق بشر به‌مثابه وسیله‌ی تأمین‌کننده‌ی ثبات و آسایش ضروری برای تضمین مناسبات دوستانه و صلح‌آمیز میان ملت‌ها گنجانده شود.^۴

پیش از آن که «پیشنهاد‌های دامبارتون اوکس» در کنفرانس سان‌فرانسیسکو درباره‌ی سازمان بین‌المللی در ماه مه ۱۹۴۵ بررسی شوند، ایالات متحد به‌خوبی می‌دانست که دولت‌های دیگر و سازمان‌های غیرحکومتی در مورد سازمانی که قصد ایجادش را داشتند مجموعه‌ای از ترجیحات نسبتاً متفاوت را مطرح می‌کردند و به‌ویژه بر مسائل اقتصادی و اجتماعی به‌طور عام و بر حقوق بشر به‌طور خاص

3. «Report to the President on the Results of the San Francisco Conference, by the Chairman of the United States Delegation, the Secretary of State, June 26, 1945» dans: United States, Senate, Committee on Foreign Relations, *Hearings on the Charter of the United Nations*, Washington: US Government Printing Office, 1945, p. 108.

۴. خلاصه‌ای از این مسائل در پژوهش مهم زیر درباره‌ی نقش ایالات متحد آمریکا در تدوین منشور ملل متحد آمده است:

Ruth B. Russel, *A History of the United Nations Charter: The Role of the United States 1940-1945*, Washington : Brookings Institution, 1958, pp. 323-329, 423-424.

تأکید بسیار بیشتری می‌ورزیدند.

این اختلاف دیدگاه‌ها در کنفرانس دولت‌های آمریکایی در شاپولتیک (مکزیکو) در فوریه - مارس ۱۹۴۵ به روشنی آشکار شدند. در این کنفرانس ایالات متحد دریافت که کشورهای آمریکای لاتین تأکید می‌ورزند که حقوق بشر از تقدمی بسیار قوی‌تر برخوردار گردد و «شورای اقتصادی و اجتماعی» که بایستی در درون سازمان ملل به وجود آید (و رسیدگی به حقوق بشر در درجه‌ی اول وظیفه‌ی همین نهاد است) به صورت یکی از نهادهای اصلی ملل متحد در نظر گرفته شود.^۵

در کنفرانس سان‌فرانسیسکو، مشاوران سازمان‌های غیرحکومتی با کسانی هم‌صدا گشتند که می‌خواستند تعهدات مربوط به حقوق بشر که در منشور ملل متحد گنجانده شده‌اند، روشن‌تر، مشخص‌تر و گسترده‌تر باشند. وزیر امور خارجه‌ی آمریکا، ادوارد استینیوس که رئیس کنفرانس سان‌فرانسیسکو نیز بود، از کارآیی سازمان‌های غیرحکومتی در مورد مسائل مربوط به حقوق بشر ستایش کرد.^۶ این سازمان‌ها با پافشاری توانستند قدرت‌های دعوت‌گر کنفرانس (ایالات متحد، انگلستان، اتحاد شوروی و چین) را متقاعد کنند که مجموعه‌ای از اصلاحات را به پیشنهادهاى مشترک‌شان در دامبارتون اوکس بیفزایند (این اصلاحات بالا بردن جایگاه «شورای اقتصادی و اجتماعی» و برجسته‌ساختن تعهد برای پیشبرد و تشویق حقوق بشر را ممکن می‌ساختند).

چندین کشور آمریکای لاتینی نیز پیشنهاد کردند که در «منشور» بر مواد و

5. Ruth B. Russel, *op. cit.*, pp. 568-569.

۶ نگاه کنید به: «Report to the President...», *op. cit.* p. 105. می‌گوید: «در کنفرانس سان‌فرانسیسکو گروه مشاوران آمریکایی که نمایندگی ۴۲ سازمان و گروه بسیار مهم و فعال در عرصه‌ی روابط بین‌المللی را برعهده داشتند، در طول مذاکرات هیچ‌گاه به اندازه‌ی بحث درباره‌ی ضرورت بهره‌مندی تمام خلق‌ها از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی توجه نشان ندادند. آنان پیوسته‌های مربوط به تعریف اهداف را با شور و شوق بسیار تأیید کردند. به‌علاوه پافشاری ورزیدند که در خود «منشور» نیز ساختارهای مناسبی برای بی‌گیری این هدف‌ها تعیین شود. یکی از پیامدهای مستقیم مباحثات میان هیأت نمایندگی ایالات متحد و «مشاوران» پیش‌گفته، پیشنهاد این هیأت برای اصلاح «منشور» به نحوی بود که کمیسیونی در مورد حقوق بشر در آن پیش‌بینی شده باشد. البته سایر قدرت‌های دعوت‌گر این کنفرانس نیز از چنین پیشنهادی پشتیبانی کردند.»

مقررات مربوط به حقوق بشر تأکید بیشتری بشود. کوشش‌های این کشورها تا حدی ترجیحاتی را نشان می‌دادند که در کنفرانس بین آمریکایی شاپولتیک (مکزیکو) در فوریه و مارس ۱۹۴۵ مطرح شده بودند. این کنفرانس خواستار آن شده بود که «کمیته‌ی حقوقی بین آمریکایی» اعلامیه‌ی حقوق و وظایف بین‌المللی بشر را تدوین کند. شیلی و کوبا هر دو کوشیدند که همین وظیفه برعهده‌ی کنفرانس سان‌فرانسیسکو گذاشته شود؛ پاناما پافشاری ورزید تا «اعلامیه‌ی حقوق اساسی بشر» - که پیش‌نویسی از آن را کمیته‌ای چندملیتی با حمایت «مؤسسه‌ی حقوق آمریکایی (American Law Institute)» تدوین کرده بود - در «منشور» گنجانده یا پیوست آن شود. هیچ‌یک از این پیشنهادها تأیید نشد، اما مسائلی که آن‌ها طرح کردند دوباره به هنگام نگارش اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مورد بحث قرار گرفتند.^۷ حاصل تمام این کوشش‌ها آن بود که در منشور ملل متحد دست‌کم در هفت مورد به حقوق بشر استناد شده است و هنگامی که کمیسیون حقوق بشر عهده‌دار تدوین اعلامیه‌ی بین‌المللی حقوق شد، این کار را بر مبنای همین موارد انجام داد. در دیپلاچهی «منشور» بر عزم «مردمان ملل متحد... به اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر و حیثیت و کرامت و ارزش شخص انسان...» تأکید شده است. یکی از دستاوردهای مهم کنفرانس سان‌فرانسیسکو گنجاندن بند سوم ماده‌ی یک در هدف‌های ملل متحد بود:

«تحقق همکاری بین‌المللی... از رهگذر گسترش و تشویق رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، فارغ از هرگونه تبعیض نژادی، جنسی، زبانی یا دینی.»

زبانی مشابه اما تا حدی با انعطاف و منطبق با اوضاع گوناگون، در تشریح وظایف و اختیارات «مجمع عمومی» (ماده‌ی ۱۳)، «شورای اقتصادی و اجتماعی»

7. James Frederic Green, *The United Nations and Human Rights*. Washington: Brookings institution, 1956, p. 15.

اعلامیه‌ای که کنفرانس شاپولتیک (مکزیکو) خواستار تهیه‌ی آن شده بود، بیش از به پایان رسیدن کار کمیسیون حقوق بشر ملل متحد نگاشته شد و در تدوین نهایی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر نقش مهمی داشت.

(ماده‌ی ۶۲) و نظام قیمومت بین‌المللی (ماده‌ی ۷۶) دیده می‌شود. در ماده‌های ۵۵ و ۵۶ آمده است که اعضای سازمان متعهد می‌شوند که با همکاری یکدیگر، از جمله برای پیشبرد «رعایت جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، فارغ از هرگونه تبعیض نژادی، جنسی، زبانی یا دینی» تلاش ورزند. و در نکته‌ای که احتمالاً مهم‌ترین اصلاح تصویب‌شده در سان‌فرانسیسکو است - اصلاحی که تا حد زیادی با پافشاری سازمان‌های غیرحکومتی آمریکای شمالی صورت گرفته و در ماده‌ی ۶۸ آمده - مقرر گشته که «شورای اقتصادی و اجتماعی» - در مقام یکی از نهادهای اصلی سازمان ملل متحد - «کمیسیون‌هایی برای مسائل اقتصادی و اجتماعی و ترویج حقوق بشر تأسیس می‌کند».^۸

درباره‌ی ترتیبات و مقررات «منشور» در مورد حقوق بشر، ذکر دو نکته‌ی مهم ضروری است. نخست آن که کلمات «ترویج» و «تقویت» حقوق بشر، عامدانه و به‌طور منظم بیشتر از کلمات «حمایت» و «تضمین» به کار رفته‌اند. در آغاز در نظر بود که زبانی را به کار برند که با اجبارهای بیشتری همراه باشد - به‌ویژه پاناما بر کاربرد زبانی قاطع‌تر سخت تأکید می‌ورزید - ولی سپس این فکر را کنار گذاشتند، زیرا چنین اجبارهایی ممکن بود به صورت تعهداتی که ضمانت اجرایی قانونی دارند، تفسیر شوند.^۹ این مسأله به هنگام نگارش «اعلامیه‌ی جهانی» نیز دوباره مطرح می‌شود. دوم آن که محدودیت‌هایی که حوزه‌های قضایی کشورهای مختلف بر اقتدار قانونی ملل متحد تحمیل می‌کردند، از همان آغاز با مسأله‌ی حقوق بشر پیوستگی داشتند. گروه آمریکایی در تلاش برای پاسخ‌گویی به ایرادهای شوروی‌ها و انگلیسی‌ها نسبت به پیشنهادها مطرح‌شده در دامبارتون اوکس، مصالحه‌ی زیر را تدوین و پیشنهاد کرده بود:

«سازمان بین‌المللی باید از دخالت در امور داخلی کشورها خودداری ورزد، زیرا هر دولتی مسئولیت دارد که داوری کند آیا اوضاع حاکم در درون حوزه‌ی قضایی‌اش، امنیت و صلح بین‌المللی را به‌خطر می‌افکند یا نمی‌افکند، و نیز برای تأمین این امنیت و صلح باید حقوق بشر و آزادی‌های

8. J.F. Green, *op. cit.* (7), pp. 15-23.

9. Ruth B. Russel, *op. cit.* (4), pp. 780-781.

اساسی تمام مردمان کشور خود را رعایت نماید و مطابق با اصول بشریت و عدالت حکومت کند.^{۱۰}

اگرچه پیوند مستقیم موجود میان حقوق بشر و مواد مربوط به «صلاحیت ملی» در متن نهایی «منشور» نیامده و محدودیت عام تر صلاحیت ملی در بند ۷ ماده ی ۲ به تصویب رسیده، این پیوند به هنگام نگارش «اعلامیه ی جهانی» باز نمودار شده است.

در بند ۷ ماده ی ۲ منشور سازمان ملل متحد آمده است:

«هیچ یک از مقررات این منشور ملل متحد را مجاز نمی شمرد که در اموری که ذاتاً در حوزه صلاحیت ملی هر دولتی است دخالت کند و اعضا را نیز ملزم نمی سازد که چنین اموری را تابع مقررات این منشور کند؛ اما این اصل به اجرای اقدامات قهری پیش بینی شده در فصل هفتم به هیچ وجه لطمه نمی رساند.»

10. Ruth B. Russel, *ibid.*, p. 433.

همچنین نگاه کنید به تحلیل انتقادی او در صفحات ۲۲۲، ۲۶۲ و ۳۶۲ همین کتاب.

منشور سازمان ملل متحد

مادۀ مردمان ملل متحد با تصمیم

به در امان داشتن نسل‌های آینده از آفت جنگ که در مدت عمر یک انسان دوبار رنج‌های توصیف‌ناپذیری را به نوع بشر تحمیل کرده،

به اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر، حیثیت و کرامت و ارزش شخص انسان، برابری حقوق مردان و زنان و نیز ملت‌ها اعم از بزرگ و کوچک،

به ایجاد اوضاع لازم برای حفظ عدالت و رعایت تعهدات ناشی از عهدنامه‌ها و دیگر منابع حقوق بین‌المللی،

به هموار ساختن راه پیشرفت اجتماعی و برقراری بهترین اوضاع زندگی در آزادی فزاینده، و برای دستیابی به این هدف‌ها، با تصمیم به

عملی ساختن دگرپذیری، زیستن در حال صلح با یکدیگر و با روحیه‌ی حسن همجواری، به متحدساختن قوای خود برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی،

به پذیرش اصول و ایجاد روش‌هایی که به کار نبردن نیروی سلاح‌ها را جز در مورد منافع مشترک تضمین کند،

روی آوردن به نهادهای بین‌المللی برای کمک به پیشرفت اقتصادی و اجتماعی تمام ملت‌ها.

برآن شده‌ایم تا برای تحقق این مقاصد تشریک مساعی کنیم

در نتیجه دولت‌های متبوع ما، توسط نمایندگان‌شان که در شهر سان‌فرانسیسکو گرد آمده‌اند و از اختیارات کاملی که صحت و اعتبارشان به رسمیت شناخته شده برخوردار

هستند، این منشور ملل متحد را تصویب کرده‌اند و بدین‌وسیله سازمانی بین‌المللی را تأسیس می‌کنند که ملل متحد نام می‌گیرد.

فصل اول

هدف‌ها و اصول

مادۀ ۱

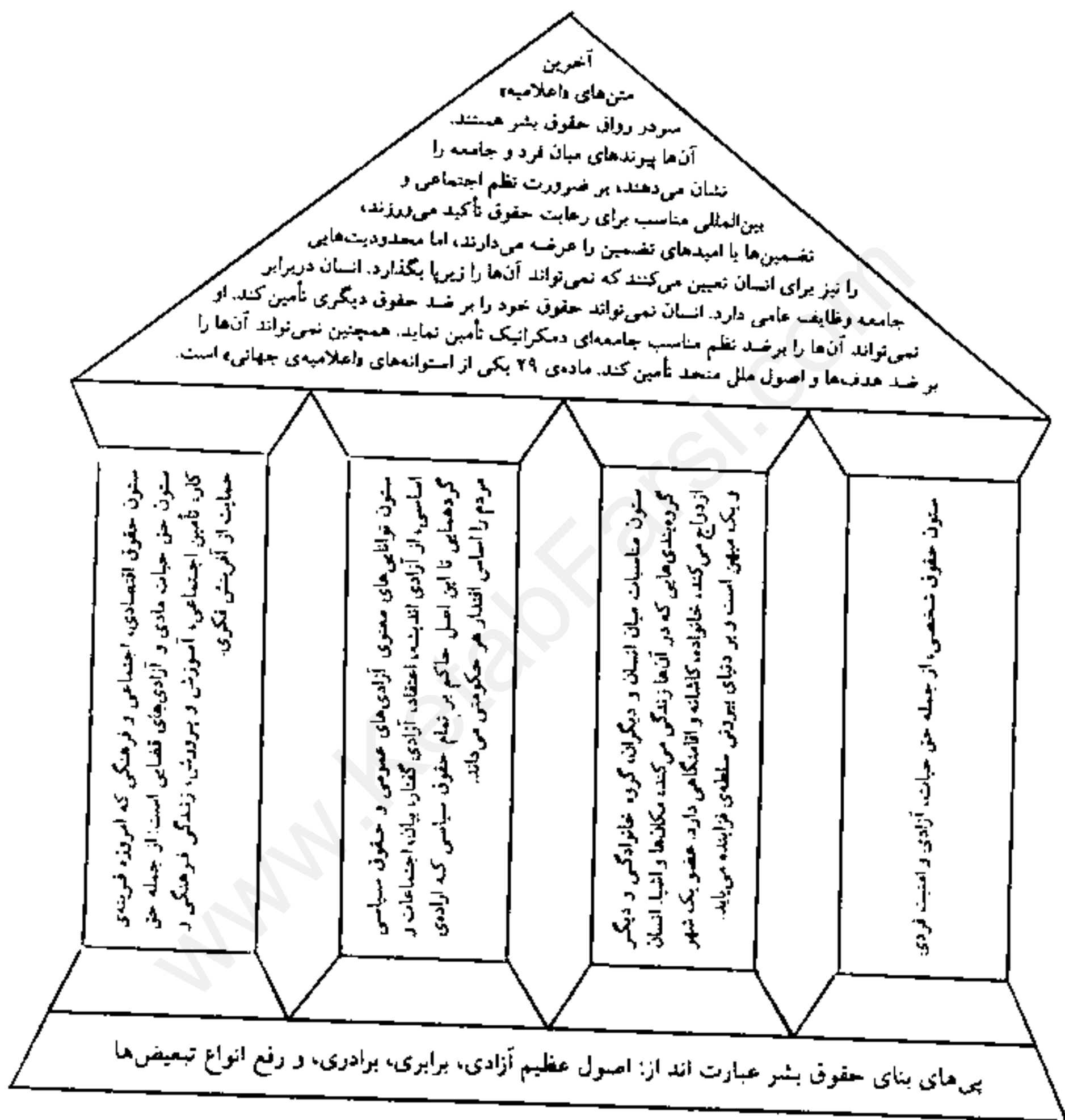
هدف‌های سازمان ملل عبارت‌اند از:

۱. حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و بدین منظور: با وسایل مسالمت‌آمیز و برطبق اصول عدالت و حقوق بین‌المللی، انجام اقدامات جمعی کارساز برای پیش‌گیری از تهدیدها بر ضد صلح و برطرف ساختن این تهدیدها و جلوگیری از هرگونه عملی تجاوزکارانه یا سایر اقدامات برهم‌زننده‌ی صلح، و فراهم آوردن موجبات تعدیل یا تصفیه‌ی اختلافات یا وضعیت‌هایی بین‌المللی که ممکن است به برهم‌زدن صلح بینجامند؛

۲. گسترش روابط دوستانه در میان ملت‌ها بر مبنای احترام به اصل برابری حقوق ملت‌ها و برخورداری آن‌ها از حق تعیین سرنوشت، و انجام سایر اقدامات ضروری برای تحکیم صلح جهانی؛

۳. تحقق همکاری بین‌المللی یا حل مسائل بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی، فکری یا بشردوستانه، از رهگذر گسترش و تشویق رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، فارغ از هرگونه تبعیض نژادی، جنسی، زبانی یا دینی.

۴. بودن مرکزی برای هماهنگی کوشش‌های ملت‌ها در راه تحقق این هدف‌های مشترک.



اعلامیه ی جهانی حقوق بشر

نگارش اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر

(۱۹۴۸-۱۹۴۶)

از ژوئن ۱۹۴۶ تا دسامبر ۱۹۴۸، در چارچوب سازمانی جدید ملل متحد، گروهی کوچک از مردان و زنان کم‌نظیر دست به کار نگارش سندی شدند که از آن پس به یکی از سنگ‌محک‌های اصلی پیکار برای حقوق بشر بدل شده است. این مردان و زنان در جریان نشست‌های برگزارشده در نیویورک، ژنو و سرانجام پاریس درباره‌ی فلسفه، حقوق، راهبردهای سیاسی و تفاوت‌های فرهنگی به مباحثه پرداختند. مسائل مربوط به تاکتیک و زبان را بررسی کردند و در راه دستیابی به هدف‌های بزرگ‌تر و مهم‌تر به سازش‌هایی رسیدند. آنان هنگامی پاداش کوشش‌های خود را گرفتند که در ۱۰ دسامبر، در واپسین ساعات شب، مجمع عمومی ملل متحد اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را بی‌هیچ رأی مخالفی تصویب کرد.

آنچه در پی می‌آید سرگذشت کار عظیمی است که آنان انجام داده‌اند، ماجرای آزمون‌های سختی که پشت سر گذاشته‌اند، وصف سردرگمی‌ها، مجادلات و فشارهایی که با آن‌ها دست و پنجه نرم کرده‌اند و سرانجام شرح پیروزی آنان است - پیروزی‌ای که دامنه‌اش از حد انتظارات‌شان در آن زمان بسیار فراتر رفته است.

«دبیرکل ملل متحد به سرعت دست به کار ایجاد دایره‌ای ویژه - «بخش حقوق بشر» - برای رسیدگی به مسائل (مربوط به تدوین «اعلامیه» شد).

نقش او در تدوین «اعلامیه‌ی جهانی» به همان اندازه مهم بود که نقش دیگر نهادهایی که بر اساس «منشور ملل متحد» در زمینه‌ی حقوق بشر صلاحیتی داشتند.

آقای هانری لوژیبه (از فرانسه) که در آن هنگام معاون دبیرکل سازمان ملل متحد بود از جناب استاد جان هامفری (از کانادا)، کارشناس حقوق بین‌المللی دعوت کرد که مسئولیت ریاست این بخش مهم را برعهده بگیرد. به علاوه قواعد دقیقی تصویب شدند که مشارکت نهادهای تخصصی و همچنین سازمان‌های غیرحکومتی نماینده‌ی افکار عمومی را در فعالیت‌های «شورای اقتصادی و اجتماعی» و نهادهای فرعی متعدد آن، از جمله «کمیسیون حقوق بشر»، ممکن می‌ساختند...»

(A. Verdoodt, *Naissance et Signification de la Déclaration universelle des droits de l'homme*, Éd. Nauwelaerts, Louvain - Paris, 1964, p. 47).

شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در فوریه‌ی ۱۹۴۶ «کمیسیون حقوق بشر» را ایجاد می‌کند.

«کمیسیون حقوق بشر» از همان آغاز از جمله عهده‌دار این وظیفه می‌شود که پیشنهادها و توصیه‌هایی برای «اعلامیه‌ی بین‌المللی حقوق بشر» عرضه کند. شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد (ECOSOC) نخستین بار در فوریه‌ی ۱۹۴۶ تشکیل جلسه داد و تصمیم گرفت که مأموریت خود را در مورد حقوق بشر با ایجاد نهادی آغاز کند که در ابتدا نام نسبتاً نامناسب «کمیسیون هسته‌ای درباره‌ی حقوق بشر» را برای آن برگزید. این کمیسیون هسته‌ای مسئولیت انجام دادن بررسی‌ها و ارائه‌ی پیشنهادهایی را برای اعلامیه‌ی بین‌المللی حقوق عهده‌دار شد. «کمیسیون هسته‌ای» در آوریل ۱۹۴۶ تشکیل شد. اعضای این کمیسیون نه نفر بودند که شورای اقتصادی و اجتماعی ملل آنان را با توجه به صلاحیت‌های شخصی‌شان برگزیده بود و نماینده‌ی کشورهای‌شان محسوب نمی‌شدند.^{۱۱}

۱۱. در زمان معینی این مسأله مطرح شد که در «منشور» تصریح گردد که اعضای کمیسیون‌های

COMMISSION DES DROITS DE L'HOMME

ET
SOUS-COMMISSION DE LA CONDITION DE LA FEMME

Résolution du Conseil économique et social, du 16 Février 1946
(document E/20 du 15 Février 1946) concernant la création d'une Com-
mission des droits de l'homme et d'une Sous-Commission de la condi-
tion de la femme, et décisions complémentaires prises par le Conseil
le 18 Février 1946, touchant les paragraphes 6 et 7 de la Section A
et les paragraphes 4 et 5 de la Section B relative à la composition
initiale de ces organes.

خاتم النور ف. د. روزولت (ایالات متحد آمریکا) به ریاست کمیسیون، آقای رنه کاسن (فرانسه) برای معاونت و آقای ک. س. شوگی (هندوستان) برای گزارش‌گری کمیسیون برگزیده شدند. اساس کار این کمیسیون، ایجاد کمیسیون نهایی، تعیین

←
شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد، به جای آن که نمایندگان رهنمود گرفته از حکومت‌های خود باشند، باید در عرصه‌های معینی «کارشناس» به حساب آیند. اما این طرح در برابر این استدلال کنار زده شد که فقط نمایندگان رسمی حکومت‌ها می‌توانند اجرای توصیه‌ها را تضمین کنند. در نتیجه «کمیسیون حقوق بشر» نیز مانند سایر کمیسیون‌ها از نمایندگانی تشکیل شد که از حکومت‌هایشان رهنمود می‌گرفتند. برای آشنایی با مشروح مباحث به دو منبع زیر مراجعه شود:

1. Ruth B. Russell, *op. cit* (4), p. 194.

2. James P. Hendrick, «An International Bill of Human Rights», *US Department of State Bulletin*, February 15, 1948, pp. 196-197.

وظایف و شیوه‌ی عمل‌کرد آن بود و یگانه گزارش خود را در اختیار «شورای اقتصادی و اجتماعی» گذاشت. این شورا نیز در ژوئن ۱۹۴۶ (در دومین اجلاس خود) در واکنش به همین گزارش هجده دولت عضو سازمان را برگزید که در «کمیسیون» نماینده داشته باشند. «شورای اقتصادی و اجتماعی» در سومین اجلاس خود که از ۱۱ سپتامبر تا ۱۰ دسامبر ۱۹۴۶ تشکیل شد، اعضای اصلی این کمیسیون را انتخاب کرد.

«کمیسیون حقوق بشر» نخستین اجلاس خود را با شرکت تمام اعضا در ژانویه و فوریه‌ی ۱۹۴۷ برگزار کرد. اعضای این «کمیسیون» با آن که برای تأمین مشارکت متعادل افراد باصلاحیت، پس از مشورت فنی با دبیرکل سازمان ملل متحد برگزیده شدند، نمایندگانی بودند که از حکومت‌های شان رهنمود می‌گرفتند.^{۱۲}

● مقررات مربوط به کیفیت اعضای کمیسیون حقوق بشر

در سندی از کمیسیون حقوق بشر به تاریخ دوم ماه مه سال ۱۹۴۶، توصیه‌های «کمیسیون هسته‌ای» درباره‌ی کیفیت اعضای کمیسیون آمده است

۱۲. پژوهش‌گرانی که به بررسی اسناد النور روزولت در کتابخانه‌ی ف. د. روزولت (F. D. R. Library) در هایدپارک (نیویورک) می‌پردازند، می‌توانند به نحوه‌ی رهنمود گرفتن اعضای کمیسیون حقوق بشر پی ببرند. در واقع به طور پراکنده به یادداشت‌هایی برمی‌خوریم که کارمندان مأمور وزارت امور خارجه برای همکاری با خانم روزولت به او می‌رساندند. در اغلب موارد جیمز پ. هندریک این کار را انجام می‌داد.

این یادداشت‌ها به سبک زیر بودند: «در این مورد رأی مثبت بدهید»، «حکومت ایالات متحد با این نکته مخالف است»، «در این مورد شما تنها نیستید»، «در این باره شخصاً تصمیم بگیرید». پژوهش‌گران متأسفانه با این کمبود روبه‌رو می‌شوند که معمولاً هیچ‌گونه راهنمایی درباره‌ی ماهیت موضوعات این رهنمودها وجود ندارد. هندریک در این مورد یادآوری کرده که یادداشت‌های رسیده به النور روزولت، از رویش معمولی صحبت‌های درگوشی مأموری که پشت سر او می‌ایستاد مؤثرتر بود. هندریک در این باره توضیحی نداده، اما این امر به علت آن بوده که خانم روزولت مشکلات شنوایی داشته است. نگاه کنید به توضیح دست‌نوشته‌ی که هندریک به رونوشت نام‌های افزوده که در ۲۹ مارس ۱۹۵۰ به خانم روزولت نوشته بوده است: *James P. Hendrick Papers, Bibliothèque Harry S. Truman, Independence (M6)* همچنین رجوع شود به مصاحبه‌ی سندیفر (Sandifer) (صص ۱۴-۱۸) که در آن، نقش مشاور هیأت نمایندگی آمریکا را در ملل متحد تحلیل می‌کند.

(Archives René Cassin, Archives Nationales, Paris): تمام دولت‌های عضو ملل متحد باید یک یا دو شخص را انتخاب کنند. این اشخاص الزاماً نباید ملیت همان دولتی را داشته باشند که آنان را برمی‌گزینند. سپس مجموعه‌ی خصوصیات شخصی ضروری برای این نمایندگان به دقت بررسی می‌گردد. سرانجام فهرست کامل اسامی آنان به «شورای اقتصادی و اجتماعی» تسلیم می‌شود.

بخش برنامه‌ی رادیویی درباره‌ی پیش‌نویس اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، از دبیرخانه‌ی ملل متحد مستقر در Lake Success (لانگ آیلند، نیویورک). این برنامه با حضور خانم النور روزولت، رئیس کمیسیون حقوق بشر، و استاد رنه کاسن، عضو کمیسیون اجرا شد. (عکس از ملل متحد، کلیشه از فرانسین مارتوره).

شخصیت‌های اصلی کمیسیون حقوق بشر



ملل متحد با مردم سراسر دنیا سخن می‌گوید